

سال دوم شماره ۱۳  
پیر ۱۳۶۲  
ژوئن - ژوئیه ۱۹۸۳



نشریه دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران در خارج از کشور

# 'کوپتک' وداس سرخ و میدان انقلاب

## تاکاخ دین و بیخ ستم را برافکنیم

"لاهوئی"



# سرود برای حمید



جوشاب روشنائی ، سرکش سرخ رهایی  
 با توپوینده و پویا ، رزم خونین فدائی  
 رودی ازخشم سیه گل ، جاری جنگل دوری  
 توحما سه نبرد تن شب با تن نوری  
 با شفق های شکفتن ، نبض مشتاق بهاری  
 تن به خون شکسته ای تا صبح توده ها بر آری  
 تو که میلاد شقایق به تن خشک کویری  
 تو طلوعی از رهیدن بهر دستهای اسیری

\* \* \*  
 تا شب از خون رفیقان ، باغ بار آور طوفان  
 در عمیق شب دشمن ، تونهای سر پیمان  
 با شکوفه های طوفان ز ستاره ها دمیدی  
 ای همه یاد رفیقان ، نام پایای "حمید"  
 تو که میلاد شقایق به تن خشک کویری  
 تو طلوعی از رهیدن بهر دستهای اسیری  
 جوشاب روشنائی ، سرکش سرخ رهایی  
 با توپوینده و پویا ، رزم خونین فدائی

برای تماس با جهان با آدرس  
 زیر مکاتبه نمایند:

JAHAN جهان  
 P.O. BOX 540  
 N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.

# تقویم تاریخ

تیر  
 June - July

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	جمعه
			۱	۲	۳
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۱	۲	۳	۴	۵

- ۱ تیر ۱۳۲۴  
 ۳-۱ تیر ۱۳۹۹  
 (۲۲-۲۴ ژوئن ۱۹۲۰) ۱۳۲۴  
 ۲ تیر ۱۳۴۸  
 (۲۳ ژوئن ۱۹۶۹) ۱۳۱۸  
 ۵ تیر ۱۳۱۸  
 ۶ تیر ۱۳۳۲  
 ۶ تیر ۱۳۵۹  
 ۷ تیر ۱۳۸۷  
 ۷ تیر ۱۳۳۰  
 ۷ تیر ۱۳۵۴  
 ۸ تیر ۱۳۵۴  
 ۹ تیر ۱۳۵۵  
 ۱۲ تیر ۱۳۰۳  
 ۱۵ تیر ۱۳۳۶  
 ۲۰ تیر ۱۳۲۶  
 ۲۳ تیر ۱۳۲۵  
 ۲۳ تیر ۱۳۳۰  
 ۲۶ تیر ۱۳۳۱  
 ۲۷ تیر ۱۳۳۱  
 ۲۵ تیر ۱۳۵۸  
 (۲۹ جولای ۱۹۷۹) ۱۳۳۱  
 ۳۰ تیر ۱۳۴۰  
 تیر ماه ۱۳۲۸  
 تیر ماه ۱۳۴۴
- اعتماد کارگران پالایشگاه آبادان برای اضافه دستمزد  
 نخستین کنگره حزب "عدالت" که به حزب کمونیست ایران تغییر نام داد، در بندر انزلی تشکیل شد.  
 تاسیس جمهوری دمکراتیک یمن  
 شهادت شاعر انقلابی ایران، فرخی بزدی به دست عمال رضا خان  
 اعتصاب ۱۰ روزه ۲۰ هزار تن از کارگران کوره پز خانه های تهران  
 شهادت فدائی خلق دکتر اسمعیل نریمینا  
 قیام مردم تبریز علیه محمد علی شاه قاجار به رهبری ستار خان  
 میتینگ عظیم ضد استعماری در پشتیبانی از ملی کردن نفت  
 انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و به هلاکت رسیدن بیش از ۸۰ نفر از سران رژیم  
 اعتصاب خونین کارگران نساجی قائم شهر  
 شهادت فدائی کبیر حمید اشرف و ۱۰ تن از رزمندگان فدائی  
 شهادت شاعر آزاده و روزنامه نگار مبارز، میرزاده عشقی به دست عمال رضا خان  
 دستگیری خسرو روزبه پس از یک درگیری مسلحانه  
 درگذشت میر جعفر پیشه وری، یکی از رهبران جنبش دمکراتیک آذربایجان و حزب کمونیست ایران  
 اعتصاب بزرگ نفتگران جنوب. در این اعتصاب ۸۰۰۰۰ کارگرها خواستهای سیاسی و اقتصادی شرکت داشتند. رژیم از قبایل مسلح برای سرکوب اعتصاب استفاده نمود و در نتیجه ۴۷ تن از کارگران شهید و ۱۷۰ نفر زخمی شدند. حزب توده در این اعتصاب نقش ارتجاعی ایفا نمود.  
 مسافرت هریمن، دلال نفت و مشاور ویژه ترومن رئیس جمهور آمریکا به ایران جهت حل "بحران" نفت. برگزاری تظاهرات توده ای به مناسبت پنجمین سالگرد ۲۲ تیر ۱۳۲۵ و سفر هریمن استعفای دکتر محمد مصدق به منظور اعتراض به عدم موافقت شاه با واگذاری تصدّی وزارت جنگ  
 اعلام نخست وزیر قوام السلطنه از جانب شاه بجای مصدق  
 پیروزی انقلاب نیکاراگوئه  
 قیام ملی سیام تیر. اعتراض وسیع مردم علیه قوام و مداخلات شاه. کشتار مردم در تهران، پیوستن عده ای از افسران به صفوف مردم، سقوط دولت قوام و نخست وزیر مجدّد مصدق  
 به گلوله بستن تظاهرات مردم توسط دولت امینی، اشغال کلسوپ  
 جبهه ملی در تهران و دستگیری سران جبهه ملی  
 امضاء قرارداد نفت معروف به "گس - گلشائیان"  
 تشکیل جبهه ملی سوم

# دومین سالگرد شبیه خونین (۳۰ خرداد) گرامی باد

سال از روزهاییکه درندگی رژیم به اوج خود رسیده بود گذشت. روزهاییکه چهره کثیف خمینی و ایادیش بهتر و بیشتر بریان گشت. روزهاییکه دسته های اوباش و عربده کشان پاسدار نهایت قساوت ممکن را از خود نشان میدادند. روزهاییکه قداره بتندان کمیته چی از ختم مردم میگریختند و تنها در پناه شلیک های مداوم جان سالم بدر میبردند. روزهاییکه یادآور ایام قیام بود، روزهاییکه دود و آتش اغلب خیابانهای شهرها را پوشانیده بود، روزهاییکه خشم مردم حدی نمی شناخت، روزهاییکه حزب - الهی ها چون گوریل های وحشی جسد های نیمه جان و خون آلود دختران و پسران جوان را به این طرف و آن طرف میکشیدند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران درگزارشی از وقایع شبیه خونین نوشت:

"فالانوها در خیابان دخترری را دنبال کرده اند. دختر در حالی که می دوید فریاد میزد، بخدا قسم من از سرگینار برمیکردم ولی مزدوران با میله های آهنی او را چنان زدند که خون از سرش فواره کشید و سپس جسد شبیه جانشر را به همراه سه دختر دیگر که آنها نیز تمام بدنشان از خون پوشیده بود در ماشین کمیته انداختند. حزب الهی های وحشی قبل از اینکه ماشین حرکت کند با چاقو بدن این چهار دختر را پاره پاره کردند." برآستی جنایاتیکه در این روزها توسط مزدوران رژیم و به دستور خمینی و سران حزب جمهوری اسلامی انجام گرفت در تاریخ ایران کم سابقه است. ۳۰ خرداد روزی که صحنه های جنایت رژیم در کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان و آذربایجان در شهرهای دیگر نیز تکرار شد. رژیم اگر چه تا آن تاریخ نقش ارتجاعی خود را در سرکوب خلقها، دهقانان، کارگران و دانشجویان ایفا کرده بود، اما در این روز چون گرازی زخم خورده و وامانده چنگال خونین خود را به سوزکشید تا عمر تنگین اش را چند صباحی بیش تداوم بخشد. اگر چه اقا و مختلف خلق در این روز تا ریخی شهدای زیادی تقدیم جیش کردند لیک راه خود را بهتر شناختند و تجارب گرانبهای کسب نمودند. ما در دومین سالگرد این روز تاریخی، یاد همسایه شهدای خلق را گرامی میداریم. ☆



شهریه دانشجوین معادل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در داخل کشور  
سال دوم - شماره ۲

## در این شماره

۴	تهاجم نیروهای سرکوبگر درهم شکسته شد
۵	یادشهادت شیرماه گرامی باد
۶	دژافسریه " چه گذشت
۶	اخبار ایران
۱۰	اخبار جهان
۱۰	شیلی - پینوشه: "آقایان همین است و بس"
۱۳	سالگرد قیام نوشتوگرامی باد
۱۷	"شکافت لبی"
۱۸	درک مادی از تاریخ، بحث نخست: پیرامون متد دیالکتیکی
۲۲	۵۰ میلیون کودک در بازار کار جهانی
۲۳	دعوت برای اشتشار
۲۴	ازخواستندگان
۲۵	بدون تفسیر
۲۶	خرید اسلحه از آمریکا، آلمان و اسرائیل
۲۷	دروغ شرعی "باخت دغانیات ایران"
۲۸	توطئه مشترک ترکیه و عراق مکمل جنایات رژیم خمینی
۲۹	متن توضیح "مجاهد" و متن نامه "مهدی سامع" (بیژن)
۳۰	درباره سینمای انقلابی و سینمای بورژوازی
۳۴	درخاشیه کنفرانس ویلیا مزبورگ
۳۵	دیدگاهها: بررسی تاریخی انترناسیونال کمونیستی (کمینترن)
۳۸	اخبار جنبش دانشجویی
۴۲	ریشه های بحران در زیمبابوه
۴۷	شعر
۴۸	جدول
۴۹	بحران جنبش فلسطین
۵۱	گرامی باد خاطره فدائیان خلق عبدالرضا و حمیدرضا ماهگیر

## اطلاعیه پیرامون توطئه

## سازمان مجاهدین خلق

## علیه

## سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

در صفحه ۲

# سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی. برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

# اطلاعیه پیرامون توطئه

## سازمان مجاهدین خلق

### علیه

# سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران



هموطنان مبارز:

سازمان مجاهدین خلق ایران در رأس شورای ملی مقاومت اخیراً با دست زدن به یک سری اعمال ماجراجویانه و عوام‌فریبانه، مثلثی کردن سازمان ما را در دستور کار خود قرار داده است، تصمیم دارند در روزهای آینده مسائل تشکیلاتی ما را به گونه‌ای تحریف شده به مناقصه بگذارند. از آنجائیکه این کوشش مجاهدین به دلیل موضع‌گیری انقلابی سازمان ما در رابطه با شورای ملی مقاومت میباشد ضرورت دارد ضمن توضیح مختصر در این زمینه تا آنجا که به حفظ مسائل و اسرار جنبش انقلابی ایران لطمه‌ای وارد نکند، نکاتی را بازگو کنیم. بدیهی است در صورت ادامه این روش ناپسند از سوی رهبری مجاهدین خلق، ما برای رد اتهامات بی پایه به سازمان مجبور به انتشار بیرونی کلیه اسناد و دلایلی در این زمینه خواهیم شد که طرح و انتشار آنها را در این مقطع به نفع جنبش انقلابی ایران نمیدانیم. ما از هم اکنون مسئولیت پی آمدهای بعدی این حرکت را به عهده رهبری سازمان مجاهدین خلق میدانیم.

طوفان عظیم انقلاب به پیش می‌رود و کشتی شکسته دریا نوردان حامل لیبرال‌ها و هم پیمانان خرده بورژواژیستان به طرز دردناکی به گل می‌نشینند. آنها تکیه استعدادهای خود را در جستجوی راه سازش برای انقلاب به کار گرفته‌اند چه بهتر که در پایان این تراژدی غم‌انگیز در رویای کسب قدرت سیاسی از بالا در واپسین دم حیات این اتحاد نامیمون سرود ماتم سر دهند. کارگران و زحمتکشان در فردای انقلاب به داوری خواهند نشست و آنوقت ناقوس رسوایی سردمداران سازش در تمامی این کشور اسلام زده ظنین انداز خواهد شد. آری انقلاب به وسیله توده‌های مردم و بر ضد سفاک‌ترین رژیم ضد بشری قرن عینیت خواهد یافت و مبتکران راه سازش و عقاید خود کورته فکرانه را به زیر خواهد کشید. مدتها بود دعوا بر سر رویای کسب قدرت سیاسی بالا گرفته بود. آنها که خود را تنها آلترناتیو موجود میخواندند و تمام "شورای ملی مقاومت" بر خود نهادند و در رأس آنها سازمان مجاهدین خلق مدتها در انتظار سرنگونی رژیم و قبضه قدرت سیاسی از بالا بدون ارائه یک برنامه انقلابی بدون اتخاذ یک سیاست درست در رابطه با اتحاد عملی‌های اصولی و با تاکید بر دولت انقلابی اسلامی، با تاکید بر حفظ ارزش‌های خلقی به صورت سابق، با تاکید بر حفظ نیادهای بوروکراتیک و بالاخره با حفظ ماشین دولت بورژوازی، عملاً پراکندگی نیروها را در سطح جنبش موجب شدند. مجاهدین خلق هرگز منافع گروهیشان اقتضا کرد برای مردم "جبهه"، "سازمان" و "شخصیت" تراشیدند. علیه نیروهای انقلابی دست به تاخت و تاز کردند. کسانیکه مدتها از صحنه سیاست و مبارزه به دور بودند در خسارچ از کشور به وسیله همین مجاهدین خلق "شخصیت" شدند. آن لیبرال‌های واپس‌اندازی که مردم آنها را در صفوف خود با عینک مادون قرمز هم پیدا نمی‌کردند یکدفعه در کنار مجاهدین خلق، قرارداد صلح به امضاء رساندند. در رابطه با برخورد انقلابی و موضع صریح سازمان ما نیز هر بار که خواستند گریبان خود را خلاص کنند به جای برخورد اصولی با مضمون گفته‌ها و عملکردهای ما و با مضمون مندرجات نشریه "کار" فوراً خود نشریه و یا سازمان را به زیر سؤال بردند. مدتها علیه ما دست به

بقیه در صفحه ۶

## در عملیات قهرمانانه پیشمرگان

### تهاجم

## نیروهای سرکوبگر درهم شکسته شد

اطلاعیه

ساعت ۵/۳۰ با مداد روز ۲۵ خرداد ستونی مرکب از جاشها، پاسداران، بسیج ضد خلقی و ارتش سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی به قصد تصرف روستای گلوان از پادگان ترجان به حرکت درآمده بودند. ستون مزبور در ساعت ۶ با مداد به کمین پیشمرگان سازمان انقلابی زحمتکشان (کومله) می‌افتد. مزدوران از همان ابتدای درگیری هاج و واج با اسلحه سبک و سنگین به مقابله با پیشمرگان می‌پردازند. لحظاتی بعد یک دسته از پیشمرگان دیگر کومله از ضلع جنوبی نبرد نیروهای دشمن را مورد حمله قرار میدهند. به محض اطلاع از درگیری مزدوران با پیشمرگان کومله، یک دسته از پیشمرگان قهرمان فدائی در اسرع وقت خود را به محل درگیری رساندند و از ساعت ۹/۵ وارد منطقه عملیات شدند. رفقای ما دوشادوش رزمندگان کومله پس از چند ساعت نبرد، سرسپردگان حاکمیت ارتجاع را وادار به عقب‌نشینی نمودند و تلفات و خسارات فراوانی به دشمن وارد آوردند. در تمامی صحنه نبرد، ابتکار عمل در دست پیشمرگان قهرمان بود. هرگونه عکس‌العملی را از حامیان سرمایه سلب کرده بودند. دو تن از مزدوران که مقابله سختی با رفقای ما انجام داده بودند، پس از دستگیری اعدام انقلابی شدند و یکی از آنها نیز توسط رفقای کومله اعدام انقلابی گردید. در این درگیری بیش از ۳۰ تن از مزدوران کشته و زخمی و ۷ تن از اجیرشدگان به اسارت رفقای کومله درآمدند. ضربات پی در پی اسلحه‌های سبک و سنگین پیشمرگان، سنگرهای مزدوران را یکی پس از دیگری از خود فروختگان تخلیه مینمود و سرانجام پس از ساعت‌ها نبرد آنها را تا پایگاه‌هایشان عقب راندند.

در این نبرد متهورانه، غناش زیر به دست پیشمرگان فدائی افتاد؛

۱- تنگ ز-۳، دو قبضه  
بقیه در صفحه ۲۹

از میان رفقایمان  
تنها رفیقی که دوران قبل از مرگش  
لقب کبیر گرفت او بود

# یادشدهای تیرماه گرامی باد

مزدوران را در هم شکست و توطئه‌ی آنان را عقیم کرد.  
رفیق حمید رهبر قاطع و خستگی ناپذیری بود که در  
بازسازی سازمان پس از ضربات تیر و مرگ سال ۱۳۵۰  
اساسی‌ترین نقش را بعهده گرفت و با کله ه تن از  
رفقای که از ضربات صحن مانده بودند سازمان را  
سخت‌کوشانه نوسازی کرد.

رفیق حمید همه‌ی خصلت‌های انقلابی یک رهبر  
برجسته را دارا بود. وی همواره بر اساس واقعیت‌های  
شخص و با درکی عمیق فعالیت‌های انقلابی را سازمان  
می‌داد. او خود در این باره چنین می‌نویسد:  
"طرح یک ایده و یک آرزو هر قدر هم که ضروری  
تشخیص داده شود بدون ارتباط با امکانات  
عقلی سازمان چیزی حاصلی است. پس از  
طرح شدن یک ایده می‌بایست اسلوب  
مناسب و عقلی برای اجرای آن ارائه کرد  
وگرنه طرح ایده‌ها بدون اسلوب عقلی، کار  
بی‌فایده‌ای است."

درس‌آموزی از اشتباهات گذشته توجه به آموزش و  
کسب تجربه از رویدادها و انتقاد شدید از اشتباه‌زدگی‌ها  
از سبیل دیگری بود که رفیق حمید مسئولانه به آنها  
توجه می‌نمود و می‌کوشید تا با برخورد صادقانه به  
کاستی‌ها و شناخت و ریشه‌یابی علل آنها گنجینه‌ی  
تجربیات سازمان را هر چه بیشتر غنا بخشد و امکانات  
را برای گسترش سطح مبارزه فراهم آورد.

رفیق حمید اراده‌ی خط سرخی است که از جنگ -  
های سیاه‌گل آغاز می‌شود و از فراز و فرود جاده‌ی  
انقلاب بهمن ماه می‌گذرد و امروز در هیأت "کار"  
اعتصاب را و انقلاب را نهید می‌دهد.

برچی که در پنجه‌های توانای رفیق حمید در اهتزاز  
بود با سرخی خونتش رنگی دیگر و جلای دیگری گرفت.  
این میراث ماندگار سرانجام به هم‌زمانی هم‌تبار با  
رفیق حمید رسید: رفیق نظام، رفیق هادی، رفیق  
کاظم، رفیق محسن. انسان‌هایی کمونیست که خون  
فداییان و خون حمید کبیر را در رگ داشتند و  
اگر رفیق حمید با رژیم مزدور پهلوی می‌جنگید؛ آنان  
با رژیم بدسگال و ددمنش جمهوری اسلامی مبارزه  
کردند و سرانجام برای تحقق آرمان‌های طبقه‌ی  
کارگر و زحمتکشان جامعه خون خود را ایثار داشتند  
امروز میراث ماندگار حمید کبیر، میراث عشق او به  
کارگران و زحمتکشان، میراث کینه‌ی عمیق او به دشمنان  
خلق و به مزدوران امپریالیسم، میراث ماندگاری و  
استواری و پیگیری او در مبارزه، مفهوم "فدایی"  
را به‌منزله‌ی عنصری تاریخی - طبقاتی در صحنه‌ی  
مبارزه‌ی کارگران و زحمتکشان ایران تشخیص می‌بخشد  
مذهبی را که با سرنویشت انقلاب ایران و بسا  
آینده‌ی مبارزات طبقه‌ی کارگر ایران پیوندی نسبی -  
گسستگی دارد.

امروز هستند جریانات و عناصر بسیاری که خود را  
بقیه در صفحه ۱۷



لایق مهربانی، فاطمه حسینی، یوسف قانع خشک‌بختی، محمد رضا پوری، علی اکبر زوری، محمد حسین حق‌نواز، طاهره خرم

بی‌تردید یکی از برجسته‌ترین و انقلابی‌ترین چهره‌های  
جنبش نوین کمونیستی ایران رفیق کبیر حمید اشرف است.  
رفیق حمید یکی از بنیانگذاران ارزش‌های انقلابی است  
که "عنصر فدایی" را به‌منزله‌ی تجسسی از انسان کمونیست  
در شرایط ویژه‌ی جامعه‌ی ایران تعیین می‌بخشد.  
بی‌هیچ تردید نوشته‌ی رفیق حمید در "جمع‌بندی سه  
ساله" در تحلیل جانباختگان و از خودگذشتگی‌های انقلابی  
پیشگامان جنبش نوین کمونیستی ایران آئینه‌ی تمام‌نمای  
خصائل انقلابی خود است:

"ارزش‌های انقلابی موجود در سازمان ما نتیجه‌ی  
فداکاریها و جانباختگی‌های رفقای قهرمان ماست.  
این پیشگامان بسیاری از چیزهایی را که قبلاً  
وجود نداشت به‌وجود آوردند و ارزش‌های نوینی  
خلق کردند و مفاهیم نوینی را مطرح ساختند و  
تثبیت نمودند و مکتبی از آموزش‌های انقلابی  
برپا داشتند. رفقای ما نمونه‌ی کاملی از  
صداقت انقلابی بودند... مفهوم  
"فدایی" در مورد آنها نه بعنوان یک  
شعار بلکه بعنوان یک واقعیت هدایت‌بخش  
می‌کرد."

رفیق حمید سازمانگر آزموده و رزمندگی روزی‌های بود  
که در عرصه‌ی مبارزات سیزده ساله‌ی انقلابی خود در  
شرایط فشار و سرکوب و خفقان خصوصیات فرماندهی  
قاطع و بر تجربه، با پیشانی زلف را بدست آورده بود.  
او در نبردهای متعددی که با مزدوران رژیم پهلوی  
داشت چنان نیز بینی، دقت و بینش تاکتیکی سنجید  
ای از خود نشان می‌داد که دشمنان را نیز به ستایش  
و تحیر واهی داشت. رفیق حمید در طول ۶ سال  
زندگی مخفی پرشور خود ۱۴ بار حلقه‌ی محاصره‌ی

هشتم تیرماه برابر بود با سالروز شهادت فدایی خلق  
حمید اشرف رهبر کبیر سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران  
و ده تن از هم‌زمانش رفقا غلامعلی خراط پور، محمد  
حسین حق‌نواز، یوسف قانع خشک‌بختی، بیجاری، محمد  
رضا پوری، طاهره خرم، غلامرضا لایق مهربانی،  
علی اکبر زوری، محمد حسین فوقانی و عسکر حسینی -  
آورده.

شهادت فدایی کبیر حمید اشرف و هم‌زمانش اگر چه  
ضایعه‌ای بس بزرگ برای جنبش انقلابی کارگران و زحمت-  
کشان ایران بود اما طایفه‌ی هم‌زمانی در آنها و پیاده‌سرایبی  
رژیم صف‌پهلوی مبنی بر تلاش کردن سازمان چریک-  
های فدایی خلق ایران، جنبش نوین کمونیستی ایران از  
حرکت پیروزمندانه‌ی خود باز نایستاد و سازمان بسا  
درس‌آموزی از تجربیات گذشته و بهره‌گیری از میراث  
خونین مبارزه‌ی هزاران فدایی رزمنده راه پر افتخار  
فدائیان را که تا واپسین دم زندگی بخاطر آرمان‌های  
انقلابی طبقه‌ی کارگر و زحمتکشان جامعه مبارزه می‌کردند  
ادامه داد و سرانجام دوشادوش کارگران و زحمتکشان  
فعالانه در برانداختن و نابودی رژیم جنایتکار و وابسته  
شاه خائن شرکت کرد.

حیات پربار و افتخارآمیز امروزین سازمان چریک‌های  
فدایی خلق ایران به‌مثابه‌ی تنها سازمان سراسری کمونیستی  
ایران، نتیجه‌ی مبارزه‌ی هزاران فدایی کوشنده و خستگی  
ناپذیری است که در سیاه‌ترین سال‌های اختناق و  
خفقان مصمم و پیگیر در جهت آرمان والای کارگران و  
زحمتکشان مبارزه کردند و در توفانی‌ترین مقاطع  
تاریخی، پرچم خونین سازمان را برافراشته نگاه  
داشتند، و از سه‌گین‌ترین آزمون‌های تاریخ سرفراز  
بیرون آمدند.

# اطلاعیه پیرامون توطئه

بقیه از صفحه ۴

شایعه پراکنی سازمان یافته تشکیلاتی زدند حرفهایشان را با هزار "اما" و "و" "گویا" و "باید" و "شاید" و گوشه و کنایه گفتند و دست آخر اظهار نمودند که: "آنها که آنطوری بودند دیدید حالا اینطوری شدند". به عنوان مثال کلیه صحابه های آقای رجوی و شریات مجاهدین خلق از اواخر سال ۶۰ تاکنون عملاً گویای این واقعیت است که آنها ضمن آنکه از بیان نام سازمان و عملکردهای انقلابی آن هراس داشته اند از تحریف نظرات ما هیچ دریغی نکردند. با وارد آمدن ضربه اسفند ماه ۶۰ به سازمان ما و شهادت چند نفر از رفقای برجسته سازمان، رهبری سازمان مجاهدین با درک درست و بیه موقع از وظائف خطیر خود، تبلیغات گسترده ای را مجدداً تدارک دیدند. در شرایطی که بلندگوهای رژیم اسلامی فریاد برآورده بودند که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران متلاشی شد و از نابودی ما سخن سر داده بودند آقایان رجوی و محسن رضایی در پاریس و پدر رضاشیبا در واشنگتن به اضافه شریات مجاهدین همگی بانگ برآوردند که بالاخره این سازمان هم تمام شد! و تهمت و افترا بود که بر سر سازمان ما سرازیر گردید. ولی این آروزی آنها برآورده نشد و در کمال تعجب شاهد بازسازی مجدد تشکیلات سازمان بعد از ضربه اسفند ماه شدند. انتشار مجدد نشریه کار در تهران نه تنها موجب خرسندی مجاهدین نشد بلکه با واکنش های عصبی هیچوقت خشم خود را از این حرکت انقلابی نپوشاندند. درست در شرایطی که متحدین یکپارچه ضد سازمان در زیربوم گفته هایشان و در لابلای حرفها و از پشت پرده میگفتند نشریه "کار" در خارج از کشور منتشر میشود! نشریه کار در کردستان در می آید! و با این حرفها میخواهند سازمان ما را متلاشی شده پندارند! رهبران مجاهدین خلق هم با شیوه های دیگری و با همان بیچ و خم معمول در گفتارشان وجود نشریه را انکار میکردند! درک آنها در این مقطع و توجه عمیقشان به ضرورت انجام بین نیروهای انقلابی ناگزیر تاکتیکهای مناسبی را نیز ایجاب مینمود! در همین دوره خیلی ها که از مشاجرات و اختلاف نظرهای سازمان در یک دوره و بویژه بعد از کنگره تازه در خارج از کشور مطلع شدند، نیشخندهائی میزدند که البته نیشخند رهبران مجاهدین خلق همیشه توأم با دهن کجی بوده است! آنها تلاش کردند از وجود پاره های اختلافات ایدئولوژیک که طبعاً در یک سازمان انقلابی بروز خواهد کرد دستاویزی برای مقاصد خویش پیدا کنند. البته ما همچنان و در همه جا که ضرورت داشته باشد هم به انتقاد از خود خواهیم پرداخت و هم برخورد بی رحمانه ای با نواقص خواهیم داشت. اما این طیف مخالف و ضد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و بویژه مجاهدین علیرغم این همه قلمفرسایی راجع به ما حتی برای یکبار هم که شده تصویری واقعی از وضع سازمان خود نشان نداده اند که آیا اصلاً مخالفینی هم دارند؟! ما اعتقاد داریم رشد مبارزه و تکامل روند مبارزه طبقاتی در ایران جبراً از نواقص ما در جنبش نیز خواهد کاست و بروز یکسری نارسائیها در این مرحله از جنبش در سازمانهای انقلابی اجتناب ناپذیر خواهد بود.

رهبران مجاهدین خلق که بسیار عجولانه در ۳۰ خرداد مردم را به قیام فرا خواندند و در تابستان همان سال طرح های زمان بندی شده برای سرنگونی رژیم ارائه دادند. آنها شاید چند ماه و روز برای سرنگونی رژیم تعیین کردند و وعده و وعید های پوچ به مردم دادند اکنون بسی آشفته فکر به نظر می آیند. درک محدود و کوتاه فکرانه آنها در زمینه های مختلف مسائل اجتماعی و جهانی، آنها را به ورطه سقوط سیاسی - ایدئولوژیک و در پاره ای موارد اخلاقی (نظیر همین توطئه علیه سازمان ما) کشانده است. روند تحولات سیاسی در ایران و اظهارات آنها پیرامون مسائل اجتماعی و پیچیده جنبش به همراه نتایج حاصله از آن در این لحظه نه تنها خیلی ها را به تعمق واداشته است بلکه هر آدم عاقلی را نسبت به حسن نیت آنها در رابطه با گفتارشان دچار تردید میکند. اشتباه بزرگی بود اگر ما تا به امروز این کج رویهای مجاهدین را با واقعیات عینی که در ایران میگذرد تطابق نداده بودیم

# اطلاعیه

## سازمان راه کارگر

### کمیته خارج از کشور

سازمان مجاهدین خلق ایران با درج نامه مهدی سامع عضو سابق کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در نشریه "مجاهد" (شماره ۱۶۰، پنجشنبه ۲۳ تیر) در جهت برپائی یک تشکیلات دست نشانده به اصطلاح چپ گام بر میدارد. این اقدام سازمان مجاهدین خلق، در شرایطی است که، برنامه و تاکتیک "شورای ملی مقاومت" و بویژه سازمان مجاهدین خلق برای سرنگونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ایران با بن بست جدی روبرو شده است. و اقدامی است در جهت منحرف کردن اذهان توده های مردم و هواداران سازمان از شکست مجاهدین و کسب اعتباری برای "شورای ملی مقاومت". در شرایطی که نارضایتی عمیق و گسترده توده ها در مبارزات آشکار توده ای و بویژه در مبارزات طبقه کارگر علیه رژیم فقها و درجهتی مغایر با برنامه و تاکتیک "شورای ملی مقاومت" روبه گسترش است، در شرایطی که سازماندهی و هدایت مبارزات کارگران و زحمتکشان نیازمند سازمان های سیاسی - انقلابی و بویژه سازمانهای کمونیستی است، سازمان مجاهدین خلق ایران درصدد آنست که با استفاده از اختلافات درونی این پارتی سازمان چپ انقلابی و با استفاده از کسانیکه دارای سابقه فعالیت سیاسی با ایدئولوژی چپ بوده اند، به تفرقه در میان آنها دست زنند و به ایجاد تشکیلات های دست نشانده به اصطلاح کمونیستی اقدام نماید. سازمان مجاهدین خلق این اقدام خود را چه بصورت مخفی و چه بشکل آشکار از طریق مداخله در امور داخلی سازمانهای چپ انقلابی و با استفاده از کسانیکه خود را بسه خرده بورژوازی تسلیم مینمایند، شروع کرده است.

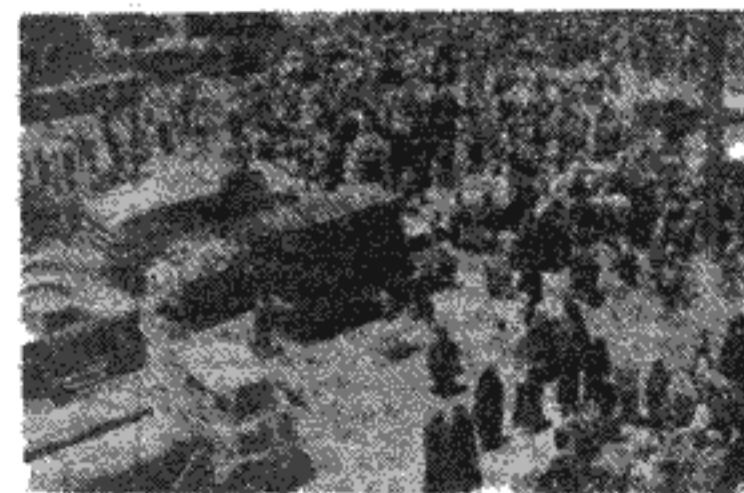
سازمان راه کارگر موضع خود را مبني بر نادرستی پیوستن کمونیستها به "شورای ملی مقاومت" از همان آغاز اعلام تشکیلات "شورای ملی مقاومت"، رسماً و علناً اعلام نمود، و طبعاً اکنون نمیتواند با خط انحلال طلبی پیوستن کمونیستها به "شورای ملی مقاومت"، موافقتی داشته باشد. مابسی آنکه قصد مداخله در مسائل درونی سازمانهای انقلابی دیگر را داشته باشیم و بدون پرداختن به مسائلی که منجر به تصفیه مهدی سامع از سازمان چریکهای فدائی خلق شده است، وظیفه خود میدانیم که اقدام مهدی سامع را اساساً با خطر کنار گذاشتن پرچم مستقل کارگری و همکاری با سازمان مجاهدین خلق برای ضربه زدن به سازمانهای چپ انقلابی از طریق کوشش برای برپائی تشکیلات دست نشانده سازمان مجاهدین خلق، نادرست اعلام کرده و محکوم نمائیم.

سازمان راه کارگر - کمیته خارج از کشور  
۸۴/۷ / ۲۱

اقدام فرصت طلبانه و توطئه گرانه سازمان مجاهدین خلق مورد نفرت و انزجار هواداران نیروهای سیاسی انقلابی است، ماضی تا شاید عمل انقلابی کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در مورد اخراج مهدی سامع، عوامفریبی کاسبکارانه سازمان مجاهدین خلق را شنیدید محکوم میکنیم. جهان

## در آفسریه چه گذشت؟

ساعت ۱۱ صبح روز دوشنبه ۷ تیرماه مردم زحمت-کش آفسریه بعنوان اعتراض به نبود آب، برق و نان اتوبان آفسریه را بستند. قابل ذکر است که آفسریه مدتی است از لحاظ آب در مضیقه میباشد آب آفسریه به لوله کشی شهر متصل نیست و چاه مخصوص دارد که توسط موتور برق آب جمع شده. در مخزن رابه خانه ها میرساند. مدتی پیش بعلمت سوختن موتور برق همین آب - محدود نیز قطع شد. پس از بسته شدن اتوبان توسط مردم آفسریه اولین سری سرکوبگران متشکل از افراد کمیته و سپاه سر رسیدند. ماشینهای بنز این مزدوران - مورد هجوم مردم قرار گرفت و شیشه آنها خرد شد. در این درگیری تعدادی از پاسداران زخمی شدند. مردم از قبل مقدار زیادی سنگ تدارک دیده بودند تا در برابر مزدوران بکار ببرند. سرکوبگران رژیم که وضعیت را وخیم دیدند عقب نشینی کرده و مجدداً با بسیج نیروهای بیشتری به محل بازگشتند تا مقاومت مردم را درهم شکنند. اما علیرغم حضور تعداد کثیری پاسدار مسلح و تیراندازی هوایی و شلیک گاز اشک آور مردم همچنان به حرکت خود - ادامه داده و با آتش زدن لاستیکها سعی میکردند اثرات گاز اشک آور را خنثی سازند. مردم با پرتاب سنگ و زدن پاسدارها آنان را وادار به عقب نشینی میکردند. درگیری بسیار حاد بود و روزهای خونین قیام را در خاطرها زنده میکرد. حرکت اعتراضی مردم زحمتکش و به خشم آمده از رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی تا ساعت ۴/۵ عصر همان روز ادامه یافت مردم به پاسداران میگفتند: "بالاخره همین اسلحه ای را که ما بدستمان دادیم پس میگیریم. شما اسلحه ای را که با دست ما تصاحب کردید بر علیه ما بکار نمیبرید" وقتی پاسداران مطرح کردند که امروز سالگرد



خطاهای آنان را برملا نکرده بودیم و در مبارزه با افکار آغشته به کینه آنها نسبت به جنبش کمونیستی ایران سکوت اختیار میکردیم. با این همه شایسته است توجه جدی و آگاهانه نسبت به اهمیت آنچه که پیرامون توطئه های مجاهدین علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تدارک دیده شده است به عمل آید. بدون شک سازمانهای انقلابی، نیروهای مترقی و مردم مبارز ایران در مقابل چنین اعمالی سکوت نخواهند کرد.

برای روشن شدن اذهان عموم و قبل از بیان جزئیات دخالتهای مجاهدین در امور تشکیلاتی سازمان - عین تصمیم کمیته مرکزی سازمان به تاریخ ۱۳ خرداد در باره اخراج یکی از اعضای کمیته مرکزی رادر زیر می آوریم:

"کمیته مرکزی سازمان طی شصت خردادماه ۶۲ در زمینه رسیدگی به نابسامانی های حاکم بر شاخه کردستان و نقش مسئول شاخه (بیژن) بعقل زیر:

- ۱- عدول از خط ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی سازمان
- ۲- رهبری خط لیبرالیستی حاکم بر شاخه
- ۳- تمفیه عناصر مخالف خط مشی حاکم بر شاخه
- ۴- دامن زدن به رقابت های ناسالم بین تیم ها که منجر به از هم پاشیدگی و ضربه وارد آوردن به تشکیلات شد.
- ۵- خلع سلاح خودسرانه گروه هرمزگان
- ۶- عدول از تصمیمات متخذه کمیسیون در دیماه ۶۱
- ۷- ایجاد دسته بندی و گروه بندی در شاخه
- ۸- بی توجهی در رابطه با حفظ و نگهداری سلاح های سازمان
- ۹- عدم پذیرش اشتباهات و انحرافات گذشته و پافشاری بر مواضع گذشته خود
- ۱۰- رفتار نادرست و فقدان اخلاق کمونیستی

تصمیمات زیر را اتخاذ مینماید:

الف - عدم صلاحیت در کمیته مرکزی سازمان

ب - عدم صلاحیت در مسئولیت شاخه

ج - لغو عضویت از سازمان

بر طبق تصمیمات فوق الذکر حکم اخراج طی همین نامه ابلاغ میگردد."

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱۳۶۲/۲/۱۳

درست بلافاصله پس از اخراج آقای مهدی سامع (بیژن) دو نفر مجاهد در منطقه کردستان با پیام محرمانه به رفقای ما مراجعه کردند و گفتند این پیام را به توسط بیسیم دریافت داشته ایم و مخصوص آقای سامع است. رفت و آمدهای مجاهدین به طور مرتب در طی دو سه روز و هر روز چند بار صورت گرفت. چند روز بعد افشاد بی مسئولیتی در منطقه به دلایل مختلف با آقای سامع دور هم جمع شدند و تماسهای مکرر آقای سامع، مجاهدین و این عناصر ابعاد گسترده تری به خود گرفت. از آنجائیکه این تماسها بعد از اخراج وی خارج از اصول و ضوابط تشکیلاتی سازمان محسوب میشد و دورهم جمع شدن آنها در محیط تشکیلات سازمان بر خلاف ضوابط تشکیلات بود، تذکرات لازم به سامع داده شد. بهر صورت حاصل این تماسها این شد که درست در شب حمله پاسداران ارتش و بسیجی ها به منطقه "قالویه" چند نفر از افرادی که تحت تاثیر گفتار سوء ایشان واقع شده بودند دست به یاغی گری زده و شب هنگام با از کسار انداختن اسلحه کالیبر ۵ و با برداشتن چند اسلحه سازمان فرار کردند. اگر چه این اسلحه ها بعداً پس گرفته شد و برخورد لازم در این زمینه صورت گرفت. در محل وقوع این حادثه مجاهدین خلق نیز حضور داشتند و ما برای تسریع امور و خلع سلاح افراد یاغی صادقانه به آنها مراجعه کردیم و متن کوتاهی را خواستیم برای ما بیسیم بزنند. آن متن عبارت بود از اینکه به محض ورود دو نفر از افراد یاغی به یکی دیگر از روستاها خلع سلاح شوند. البته به جرم همان یاغی گری که به مثابه همکاری آنها با رژیم جمهوری اسلامی محسوب میشد. لیکن بعداً متوجه شدیم که متن این پیام هرگز

## اطلاعیه:

به دست رفقای ما در منطقه دیگر نرسیده است. به تحقیق دریافتیم، مجاهدین بجای رساندن متن پیام به مسئول مقر سازمان ما آنرا به افراد تحت تعقیب داده و آنها نیز از منطقه دور شده‌اند. البته طی مذاکراتی با مسئولین مجاهدین، آنها اظهار داشتند "از آنجائیکه این متن مربوط به مسائل داخلی شما بوده، ما تصمیم گرفتیم این پیام را نرسانیم!" و در مقابل این سؤال که دادن این متن به افراد یاغی دخالت در امور داخلی ما نیست؟! جوابی نداشتند. ما به همان دلیلی که در ابتدای این اطلاعیه گفتیم از ذکر موارد دیگر خودداری میکنیم و در صورت به روی صحنه آوردن پرده‌های بعدی این نمایش مسخره از سوی مجاهدین، الزاماً به موارد متعدد دیگر خواهیم پرداخت.

به هر صورت علیرغم داشتن اطلاعات کافی درباره چگونگی اخراج آقای سامع، مجاهدین خلق تصمیم گرفتند به سیاست دخالت در امور داخلی ما ادامه دهند و آقای سامع را سه روزه از کردستان به پاریس انتقال داده و هم اکنون در پاریس از وی پذیرائی میشود. در پاریس با مشاورت و رهنمود رهبری مجاهدین از سوی وی نامه‌ای (بهتر است بگوئیم ندامتنامه‌ای) خطاب به "مسئول اول سازمان مجاهدین" نوشته میشود. در پاسخ به ندامتنامه وی اگر نیازی به توضیح برای اعضا و هواداران سازمان بود، اطلاعیه‌ای هم لازم نداشتیم چرا که کلیه اعضا و هواداران بر اساس خط و مشی سیاسی - ایدئولوژیک حاکم بر سازمان و مصوبات کنگره، نحوه برخورد ما به جریان‌های ناپسند در جنبش را به خوبی میدانند و بویژه آنکه بند بندمتن ندامتنامه در تناقض آشکار با مصوبات کنگره، ضوابط تشکیلاتی و سیاست انقلابی سازمان میباشد. اما مروری بر این ندامتنامه و توضیحاتی در این زمینه جهت روشن شدن اذهان عموم ضروری میباشد.

نوشته خطاب به "مسئول اول مجاهدین" و با ستایش از "قهرمانیها و مقاومت‌های مجاهدین خلق" (و فقط مجاهدین خلق) در شکنجه‌گاهها و زندان‌ها، شروع میشود. هر آدم عاقلی از خود می‌پرسد چگونه میشود که تا دو ماه پیش یک نفر عضو کمیته مرکزی سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران به عنوان یک سازمان سراسری بوده باشد و حتی امروز نیز کماکان ادعای عضویت در کمیته مرکزی سازمان را بنماید و فقط ناظر مبارزات و قهرمانیهای مجاهدین خلق بوده باشد! او با توجه به موقعیتی که داشته است، از گزارش قهرمانیهای صدها رفیق فدائی و با اعضا و هواداران سایر گروه‌های مبارز در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های رژیم، اطلاع داشته است و تنها محض اطلاع خوانندگان یادآوری مینمائیم که به غیر از شهدا و اسرای سازمان در سراسر ایران، شاخه کردستان سازمان فقط در یکسال گذشته تحت مسئولیت وی به غیر از هواداران بدون ارتباط تشکیلاتی، ۱۹ نفر عضو و پیشمرگ شهید داشته است آقای سامع در خوش خدمتی به مجاهدین تا به آنجا پیش میرود که حتی گوی سبقت در تحریف مقاومت و مبارزه نیروهای انقلابی را از خود مجاهدین نیز میرباید. زیرا مجاهدین همیشه در نشریاتشان در رابطه با مبارزه و مقاومت نیروهای انقلابی از واژه "مجاهدین و مبارزین" استفاده میکنند در حالی که آقای سامع حتی سخنی هم از دیگر نیروها به میان نمی‌آورد. بنابراین معلوم میشود وی مغرض است و با دقت بیشتری نامه را مرور میکنیم. کمی یائس‌تر از این جملات چنین نگاشته شده است: "متأسفانه رهبری شوریک گرایش سکتاریست حاکم بر سازمان با درج مقاله‌ای تحت عنوان "دوره بیشتر وجود ندارد" در نشریه کار ۱۶۶ با پر خاشگری عصبی به نیروهای انقلابی و در رأس آنها مجاهدین خلق و پس از آن حزب دمکرات کردستان و نیز با ادعاهای "کودکانه" عمل سیاست‌آنا رشیستی و سکتاریستی خود را در رابطه با مسائل مبهم جنبش به نمایش گذاشته است." باشد! ما این فرض غلط را هم اگر بپذیریم، می‌پرسیم از کی و در کجای دنیا تاکنون رسم بر این بوده است که وقتی در یک سازمان کمونیستی "سکتاریسم و آنارشیسم" حاکم شد عضو کمیته مرکزی به بورژوازی و خرده بورژوازی پناه آورد! در کجای تاریخ جنبش کمونیستی سراغ دارید و یا در آثار کلاسیک خواننده‌اید که وقتی "سکتاریسم و آنارشیسم" بر یک سازمان کمونیستی حاکم شد عضو کمیته مرکزی آن با

شهادت بهشتی است مردم میگفتند: "گور پدر بهشتی و همه سردمداران" ضمناً با طرح شعارهای برعلیه رژیم به مقابله همه جانبه با پاسداران برخاسته بودند. رژیم ۲۰۰ نفر از مردم را دستگیر و یک نفر طی درگیری به شهادت رسید. روز بعد ۸ تیر ماه مردم بعنوان اعتراض به دستگیری‌ها در مقابل شهرداری - جمع شدند و گفتند: "اگر دستگیر شده‌ها آزاد نشوند مجدداً اتوبان را خواهیم بست".



کار

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

دوشنبه ۱۱ تیر ۱۳۵۸  
ضمیمه کار شماره ۱۷ - صفحه ۴

## خواسته‌های مردم افسریه و شاه‌آباد شرق

عدای از مردم شاه‌آباد شرق در ماه سرگشته‌ای که به دولت مهندس سیدی بازرگان نوشته‌اند ضمن تأکید بر حفظ دستاوردهای انقلاب و اشاره به وضعیت گذشته خود و اجماعاً دست‌نهایی که از جانب رژیم سابق و پس از عتاب‌های ارتجاعی به اقتضای قانون عدم مردم‌سوی "خارج از محدوده" بیان شده است، خواسته‌های زیر را مطرح کرده‌اند. آنها مدارک زیر را برای اثبات در راه گرفتن حقوق امانت‌سازان و سایر همکاران در استان شرقی در سال ۵۶ و ۵۷ نوشته‌اند:

"ما مردم افسریه و شاه‌آباد شرق سواره کرده‌ایم که نه فقط نام "خارج از محدوده" غیر کند بلکه سایرین بوده و هست که از راه اجتناب از آماج گزند برخورددار گردیم.

خواسته‌های اساسی و فوری ما عبارت است از حل احتیاجات و خواسته‌های فوری و بهمن مردم افسریه و شاه‌آباد شرق - تأمین آب - برق - و کشتورمان، کلاس‌های پیچاک باهی، سواد - بازگوا ایجاد فضای سبز، کتابخانه عمومی، سالن ورزش جدول و اسفالت و بلک خیابان‌ها و چراغ راهنمایی مرتطابق سیستم‌های توبان برای جلوگیری از تصادفات. ظن عمومی، بیمارستان و رانینگ‌های (رایگان) مید کردک برای زنانی که کاری کنند. کلاس‌های رایگان خیاطی (سرای زنان) فرهنگساز، غذائی، اتومبیل شرکت واحد از شاه‌آباد تا خاهاان سوری (فرج آباد سابق) نصب و تعمیر چراغ خیابان‌ها.

## توضیح و پوشش

در "جهان" شماره ۱۱ خبری در رابطه با عملیات مشترک پیشمرگان فدائی و حزب دمکرات در جاده مهاباد - اورومیه برعلیه رژیم جمهوری اسلامی به چاپ رسیده. ضمن پوشش از اشتباهی که در درج این خبر رخ داده، به اطلاع می‌رسانیم که پیشمرگان فدائی در این عملیات شرکت نداشته‌اند. "جهان"



## نیرونگ و فریب دیگر اثر ندارد

چندی قبل مدیرعامل کارخانه ایران ناسیونال کارگران دو شیفت صبح و عصر را به طور اجباری به جلسه سخنرانی خود فرا خواند. کارگران که میدانستند مدیر عامل دوباره میخواهد از تشدید کار و تولید بیشتر صحبت کند، از رفتن به سخنرانی سرباز زدند و عده زیادی از آنها به عناوین مختلف از شرکت در این جلسه خودداری کردند، بطوریکه مدیر عامل به آنان اعتراض نمود که چرا دو ساعت از وقت بیت‌المال را که صرف سخنرانی شده تلف کرده‌اند. مدیر عامل طی سخنان خود تاکید نمود که امسال نیز مانند سال گذشته حقوق کارگران در همان سطح باقی خواهد ماند ولی تولید باید بیشتر شود. کارگران که چنین دیدند به مدیرعامل اعتراض کرده و بزور دربهای سالن را که بسته بود باز نموده و با اعتراض جلسه سخنرانی را ترک نمودند.

\*\*\*\*\*

## عیدی رژیم "مستضعفین"

به دنبال خودداری رژیم از پرداخت عیدی به کارگران پارچه بافی ایگار شیراز، و اختصاص سهمیه عیدی کارگران این کارخانه به معارف جنگ با عراق، کارگران دست به اعتصابی گسترده می‌زنند. عوامل رژیم که از حرکت کارگران به وحشت افتاده بودند برای جلوگیری از اعتصاب به کارخانه ایگار یورش برده و کارگران را به گلوله می‌پندند. در حمله مزدوران رژیم تعدادی از کارگران مبارز این کارخانه به شهادت رسیدند و دهها تن زخمی و تعداد زیادی نیز بعد از دو ساعت زد و خورد با مزدوران رژیم به اسارت درآمدند.

\*\*\*\*\*

## دو هلی‌کوپتر

روزنامه خلیج چاپ بحرین گزارش داد روز پنجشنبه ۹ ژوئن و روز یکشنبه ۱۲ ژوئن دو فروند هلیکوپتر جمهوری اسلامی توسط غلبانان آن ربوده و به بحرین پناهنده شده‌اند. هلیکوپتر اول متعلق به شرکت نفت و دومی متعلق به نیروی دریایی جمهوری اسلامی بوده است.

بقیه در صفحه ۱۴

ادعای حفظ هویت ایدئولوژیکش به مپورژوازی و خرده بورژوازی آن هم از نسوع اسلامیش! بپیوندد. همه میدانیم سازمان مجاهدین خلق با شعار "این ماه ماه خون است خمینی سرنگون است"، در مهر ماه ۶۰ همه نیروهایش را به خیابان کشید و چگون در پایان آن ماه و آن سال (۶۰) این آرزو تحقق نیافت سرنگونی رژیم در سال بعدی (۶۱) وعده داده شد. (مراجعه کنید به پیام نوروزی سال ۶۱ آقای رجوی) و لابد به دلیل عدم تحقق این برآوردهای کودکانه و بر اساس "درایت" واعظ گونه رهبری مجاهدین به زودی تاریخ جدید دیگری نیز اعلام خواهد شد. حال میبرسیم آقای "سامع" کسبه از "پرخاشگری عصبی و کودکانه" مقاله "دو راه بیشتر وجود ندارد" ظاهراً اینقدر به خشم آمده است چرا خود به نیروهایی پناهنده شده است که با "درایت" کودکانه بخش اعظم نیروهای انقلابی را به علت بازیها "قیام" بدون تدارک سیاسی - نظامی لازم، به نابودی کشانده‌اند؟ او در این نامه به صورتی از مجاهدین و حزب دمکرات دفاع کرده است که گوئی وکیل مدافع این دو سازمان است! حداقل میدانیم که حزب دمکرات احتیاج به وکیلی مثل آقای سامع ندارد و توسط رادیو و نشریاتش میتواند نظریاتش را پیرامون این مقاله و بنا سایر مواضع ما ابراز دارد. (کاری که تاکنون انجام داده است) حزب دمکرات با سازمان ما رابطه سیاسی دارد، نظریاتش را بیان کرده است و میتواند جواب مندرجات نشریه کار را هم بدهد.

آقای سامع ادعا کرده است که مقاله "دو راه بیشتر وجود ندارد"، مجاهدین و حزب دمکرات را در کنار رژیم جمهوری اسلامی قرار داده است. بسیار خوب! به فرض آنکه چنین عملی انجام شده باشد. چندبار تاکنون مجاهدین ما را در کنار رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و سلطنت طلبان گذاشته‌اند؟ چند بار تاکنون نظرات ما را در مورد تاکتیکهای الزامی این مرحله از جنبش (و بویژه نقش مبارزه مسلحانه) تحریف کرده‌اند؟ چند بار تاکنون تحلیل‌های ما را در مورد ائتلاف سیاست‌شان با بورژوازی به صورت واژگونه جلوه داده‌اند که گوئی اختلاف ما با آنها از "تدبیر مانبا مجاهدین و خواست مجاهدزادگی" ناشی میشود؟ چند بار تاکنون آقای "رجوی" در محابه‌ها و پیامها، گفتارها و سخنرانی‌هایش به صورت کنایه از نابودی و تلاشی ما سخن گفته است و حتی مفاسد رکیکی به ما نسبت داده است؟ چرا یکبار آقای سامع یک مقاله در نشریه کارنشوخته است و با در نشریه ریگای گول، که تحت مسئولیت خودش منتشر میشده است، نسبت به این شیوه‌های ناپسند اعتراضی نکرده‌اند؟ حال یکبار به بهانه مقاله‌ای که صرفاً مبین دیدگاه سازمانی ما نسبت به مسائل مهم و حیاتی جنبش میباشد، به پاریس آمده تا به مجاهدین عرض کند که این کار بی‌پرنسیبی است!؟ در کجای دنیا سراغ دارید که وقتی پرنسیب کمونیستی در یک سازمان بزرگ سوال میرود باید پرنسیب‌های بورژوازی جانشین آن شود؟! همچنین وی با ندامت از گذشته خودش و با زیرپا گذاشتن کلیه اصول و پرنسیبهای تشکیلاتی و تحریف واقعیات، میخواهد ثابت کند که در سازمان ما هوادار شورای ملی مقاومت وجود دارد! زمانی این ادعا درست بود که وی قبل از اخراجش یعنی بعد از برگزاری کنگره (از یکسال و نیم پیش تا کنون) حداقل یکبار در زمینه این ادعایش با توجه به مسئولیتش مطلبی به تشکیلات مینوشت پس چرا وی که در مرکزیت بوده مبارزه ایدئولوژیک نکرده است؟! حقیقت این است که غریزه طبقاتی این افراد طوری است که تمایلات تسلیم طلبانه و اپورتونیستی خود را همیشه میپوشانند و در هنگام عجز هرچه به آنها تکلیف‌کنند میگویند. وی در همین ندامت نامه - اش می‌نویسد که سازمان ما برخوردار به ظاهر "چپ" دارد ولی در مضمون "راست" است! و او هم از موضع خود در کمیته مرکزی مخالف این مواضع بوده است. کدام مخالفت؟ اگر منظور وی بحثهای درون کمیته مرکزی است که این در همه سازمانها امری طبیعی است ولی اگر جداً مخالف این مواضع بوده است پس چرا سازش کرده است و نظراتش را در درون تشکیلات ارائه نداده است که حال اینقدر عاجزانه به "مسئول اول" و "دوست همرزمش" نامه می‌نویسد.

او به دروغ ادعا کرده است که اخراجش برخلاف اساسنامه

بقیه در صفحه ۱۴